

بررسی فقهی اذان در فقه شیعه*

امان لله به**

چکیده

فقه‌های امامیه به پیروی از اهل بیت علیهم السلام همگی معتقدند که «اذان» به تشریح خداوند و با نزول وحی بر رسول الله (۹) شروع شده است. در فقه «اشهد ان علیا ولی الله» در مذهب امامیه دو نظر ابراز شده است: عده ای آن را جزء مستحب می دانند، یعنی مانند قنوت که جزئی از نماز بوده و مستحب است. عده ای نیز آن را مستحب می دانند؛ اما بدون قصد جزئیت، یعنی مستحبی است که جزو اجزای اذان نیست. از مجموع روایات استفاده می شود که شهادت و اقرار به یگانگی خدا و رسالت رسول خدا و ولایت و امامت امیر المؤمنین (۷) از یکدیگر جدا نیستند و بین آنها تلازم وجود دارد. علت اینکه فقه‌های شیعه گفتن شهادت ثالثه، بدون قصد جزئیت را جایز می شمارند، آن است که روایاتی به نحو مطلق می گویند: «هر گاه شهادت به توحید و رسالت دادید، شهادت به ولایت علی بن ابیطالب (۷) هم بدهید»، این روایات چون مطلق است، پس شامل اذان هم می شود، چه در اذان و اقامه و چه در غیر اذان و اقامه.

واژگان کلیدی: اذان، شهادت، شیعه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۳/۱۵ تاریخ تأیید نهایی مقاله: ۹۵/۴/۱۹
** دانش پژوه دوره کارشناسی، فقه و معارف اسلامی، مدرسه عالی برادران

اذان به عنوان شعار مسلمین در برابر شعار ادیان دیگر، از مفهوم و قداست خاصی برخوردار است. تأثیر اذان در جامعه اسلامی از امور انکار نشدنی است و باید درباره این موضوع به بحث و بررسی بیشتری پرداخت.

اکنون در صدد کیفیت و تعیین اذان در زمان رسول الله(ص) هستیم، چرا که شیعه و سنی خود را تابع آن حضرت دانسته و برای رفتار و گفته‌های آن حضرت اعتبار قائل است که حکایت از قانون الهی می‌کند. به همین دلیل با کشف کیفیت اذان در زمان آن حضرت، به قانون الهی در این زمینه رهنمون می‌شویم. برای بررسی این مسأله باید مباحث مربوط به اذان را مورد بررسی قرار دهیم، تا اذان در زمان پیامبر(ص) را کشف کنیم.

فصل اول: مفهوم شناسی

مفهوم اذان

اذان در لغت به معنی «اعلان یا اعلان نمودن است». (الأفریقی المصری، بی تا، ج ۱۳: ۹؛ راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱:) در قرآن و روایات، نیز معنی لغوی اذان و مشتقات آن بطور گسترده بکار رفته است؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» (قرآن، حج: ۲۴) و نیز در آیه دیگر «فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ» (قرآن، اعراف: ۴۴) و «وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (قرآن، توبه: ۳) در شریعت اسلام، اصطلاحی مخصوص است که از آن برای اعلان به ادای نماز و اعلام برای داخل شدن به وقت نماز، استفاده می‌شود. (الأفریقی المصری، پیشین، ج ۱۳: ۹؛ راوندی، پیشین، ج ۱، ۱۰۰) مأذنه و مناره «به مکانی گفته می‌شود که از آنجا اذان گفته می‌شود و به نماز فراخوانده می‌شود. (همان)



فصل دوم: فقرات اذان نزد شیعه

اذان نزد شیعه در تمام اذانهای یومیه به یک صورت است که عبارتند از: نه فقره غیر از شهادت به ولایت که هر کدام را دو بار باید تکرار کرد که مجموعاً هجده فقره می‌شود: (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۹ و ۶۰)

- الله اکبر (۲ مرتبه)
- أشهد أن لا اله الا الله (۲ مرتبه)
- أشهد أن محمدا رسول الله (۲ مرتبه)
- أشهد أن عليا ولي الله (۲ مرتبه)
- حي على الصلاة (۲ مرتبه)
- حي على الفلاح (۲ مرتبه)
- حي على خير العمل (۲ مرتبه)
- الله اكبر (۲ مرتبه)
- لا اله الا الله (۲ مرتبه)

فصل سوم: تشریح اذان

اذان از تشریحات توقیفی است که در سال اول هجرت اعلام شده است، این وظیفه مانند دیگر احکام توسط خداوند جعل می‌شود و پیامبر اکرم(ص) و اهلبیت(ع) فروعاً آن را تبیین و واضح می‌کنند. بر همین اساس اکنون به دلایل مشروعیت اذان اشاره می‌کنیم که از آیات و روایات و اجماع و سیره متصله استفاده شده است. (مشکینی، بی‌تا: ۵۰)

الف) آیات

همانطور که می‌دانیم موضوعات و اموری که در آیات بیان شده است، گاهی مستقیماً اعتبار شده و مکلفین از آن استفاده می‌کنند؛ مانند خمر، ربا و...؛ گاهی موضوعاتی که در آیات بیان شده است، توسط پیامبر اکرم(ص) و اهلبیت(ع) تفسیر شده است که در واقع بیانی از جعل الهی است؛ باید دانست که آیات الهی در مورد اذان از قسم دوم است یعنی بیان جعل توسط تفسیری است که معصوم(ع) برای این دو آیه بیان نموده است:

– «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». (قرآن، جمعه: ۹)

– «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ». (قرآن، مائده: ۵۸)

در تفسیر این دو آیه بحث از اذان مطرح شده است، (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۱: ۱۰۳) به این بیان که مراد از ندا در سوره مائده به اتفاق نظر مفسرین اذان است و مراد از نماز در این آیه، نماز جمعه است؛ پس نداء در این آیه، اذان نماز جمعه است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۱: ۱۰۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳: ۵۷) از این آیات زمان تشریح اذان تشخیص داده نمی‌شود، ولی مشروعیت آن برای نماز قابل استفاده است. اما کیفیت اذان همانند نماز با وحی بر پیامبر(ص) نازل شده که در روایات آن را بررسی می‌کنیم.

ب) روایات

روایات بسیاری در مورد اذان و احکام و موارد و کاربردهای آن وارد شده است. در این بحث مقصود روایاتی است که ما را از تشریح اذان به عنوان یک قانون الهی، در برنامه زندگی با خبر کند که به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱. اذان در بیت المقدس

رسول الله(ص) فرمودند:

در حجاز اسماعیل (کنار کعبه) خواب بودم که جبرئیل آمد و من را بیدار کرد، (معراج شروع شد)... سپس فرمود: می‌دانی کجا هستی؟ اکنون در بیت المقدس هستی، اینجا بیت المقدس است، بیت الله اقصی؛ در اینجا حشر و نشر است. جبرئیل در بیت المقدس بپا ایستاد و انگشت سبابه دست راست خود را در گوش راست نهاد، شروع به گفتن اذان نمود... و در آخر آن دو مرتبه گفت: «قد قامت الصلوة». انبیاء دعوت جبرئیل را لبیک گفتند و چهار هزار و چهارصد نفر جمع شدند، هر کدام در محل خویش در صفی ایستادند؛ وقتی صفها مرتب شد، جبرئیل بازویم را گرفت و گفت: «یا محمد! پیش برو و بر برادران خویش نماز بگذار، تو خاتمی و خاتم بر مختوم (کسانی که پیش از تو آمده اند) مقدم است...» (مجلسی، پیشین، ج ۱۸: ۳۱۷)



۲. اذان در سدره المنتهی

پیامبر اکرم(ص) فرمود: وقتی به معراج رفتیم و به سدره المنتهی رسیدیم ... ناگاه مشاهده کردم فرشته‌ای اذان می‌گوید که در آسمان قبل از آن شب دیده نشده بود؛ فرشته گفت: الله اکبر، الله اکبر، خداوند فرمود: بندهام راست می‌گوید؛ من بزرگترم (از آنکه به وصف درآیم). او گفت: أشهد أن لا اله الا الله، أشهد أن لا اله الا الله. خداوند فرمود: راست می‌گوید: خدایی جز من نیست؛ ادامه داد: أشهد أن محمدا رسول الله، أشهد أن محمدا رسول الله، فرمود: راست می‌گوید، محمد(ص) بنده من و پیامبری است که او را برگزیده‌ام؛ گفت: حی علی الصلوه، حی علی الصلوه، فرمود: راست می‌گوید بندهام دعوت می‌کند به دستور واجبیم، هر که با رغبت و میل به امید ثواب به سوی این دستور بشتابد، کفاره گناهان گذشته او است. باز فرشته گفت: حی علی الفلاح، حی علی الفلاح، خداوند فرمود: آری، نماز صلاح و نجات و فلاح است. پس از آن من امامت ملائکه را عهده دار شدم و نماز جماعتی با فرشته‌ها خواندم. چنانکه قبلا امامت انبیاء را در بیت المقدس کرده بودم. (همان، ج ۴: ۴۰)

۳. امام صادق(ع) فرمودند:

وقتی رسول الله(ص) به معراج رفتند، وقت نماز شد و جبرئیل اذان گفت، وقتی الله اکبر الله اکبر گفت، ملائکه گفتند: الله اکبر و چون أشهد أن لا اله الا الله گفت، ملائکه گفتند: انداد خلع شدند. وقتی جبرئیل گفت: أشهد أن محمد رسول الله، ملائکه گفتند: پیامبری است که مبعوث شده است. وقتی گفت: حی علی الصلاة، گفتند: دستور به عبادت پروردگار داد و چون گفت حی علی الفلاح، گفتند: رستگار است کسی که از او تبعیت کند. (قمی، بی تا، ج ۱: ۲۸۲)

۴. اذان در بیت المعمور

امام باقر(ع) فرمودند:

وقتی پیامبر(ص) در معراج به بیت المعمور رسیدند، وقت نماز رسید و جبرئیل اذان گفت و رسول الله(ص) جلو رفت و نماز خواند و ملائکه و پیامبران به آن حضرت اقتداء کردند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۳۰۲) سپس حضرت بعد از بیان اذان فرمودند: رسول خدا(ص) بلال را به همین صورت امر نمودند و او تا پایان عمر شریف آن حضرت به همان صورت اذان می‌گفت. (طوسی، بی تا، ج ۲: ۶۰)

۵. در روایتی دیگر فرمودند:

هنگامی که جبرئیل اذان را آورد، سر پیامبر(ص) بر دامان علی(ع) بود. جبرئیل اذان و اقامه را به پیامبر(ص) تعلیم داد. هنگامی که پیامبر(ص) سر خود را برداشت، از علی(ع) سؤال کرد: آیا صدای اذان جبرئیل را شنیدی؟ حضرت عرض کرد: آری پیامبر(ص) بار دیگر پرسید: به خاطر سپردی؟ گفت: آری. پیامبر اکرم(ص) فرمود: بلال را حاضر کن و اذان و اقامه را به او تعلیم ده. علی(ع) بلال را حاضر کرد و اذان را به او تعلیم داد. (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۰۶) این روایات در خبر از فضیلت پیامبر(ص) و تشریح اذان به وحی الهی مشترک هستند اما روایت اخیر علاوه بر آن، یکی از فضائل امیرالمومنین علی(ع) نیز محسوب می‌شود.

۶. از امام حسین(ع) در مورد اذان سوال نمودند که آیا سبب آن رویای عبدالله بن زید بود؟! فرمود: اذان به پیامبر(ص) وحی شده است اما شما گمان می‌کنید که پیامبر(ص) اذان را از عبدالله بن زید یاد گرفته است! (طبق خوابی که عبدالله می‌بیند) در حالی که اذان صورت دین شماس است و حضرت ناراحت شدند. در حالی که از پدرم علی بن ابی طالب شنیدم که فرمودند: هنگامی که پیامبر(ص) به معراج رفت، خداوند فرشته‌ای (که قبل و بعد از آن دیده نشد) را فرستاد و اذان و اقامه گفت، سپس جبرئیل به پیامبر(ص) عرضه داشت که اذان نماز اینگونه است. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۸ و ۱۷)



۷. امام صادق(ع) فرمودند: «خداوند لعنت کند، قومی را که گمان می‌کنند که پیامبر(ص) اذان را از عبدالله بن زید یاد گرفته است»، سپس فرمودند: «وحی بر پیامبر(ص) نازل می‌شود، در حالی که شما گمان می‌کنید که آن حضرت اذان را از عبدالله بن زید گرفته!» (عاملی، ۱۴۰۹ ج ۵: ۳۷۰)

۸. امیرالمومنین علی(ع) از پیامبر(ص) در جواب یک یهودی نقل میکند که فرمودند: «اذان و اقامه و... از اموری است که به من و امت من اختصاص یافته است». (محدث نوری، پیشین، ج ۴: ۲۳)

۹. از عبدالصمد بن بشیر نقل شده که نزد امام صادق(ع) ذکر اذان به میان آمد. کسی (اعتقاد اهل سنت را بازگو کرد) گفت: «مردی از انصار در خواب اذان را یاد گرفت و به پیامبر(ص) این خواب را گزارش داد و پیامبر(ص) دستور داد تا او این اذان را که در خواب دیده به بلال یاد دهد». امام صادق(ع) فرمود:

دروغ می‌گویند، پیامبر(ص) در سایه کعبه خواب بود که جبرئیل با ظرفی از آب آمد و ایشان بیدار نمود... سپس به معراج سیر کردند (و در هر مرتبه از ابواب آسمان یک فقره از اذان توسط جبرئیل بیان شد) و نماز به پا شد و پیامبر(ص) بر همه مقدم شد تا با او نماز بخوانند؛ سپس امام فرمودند: حقیقت تشریح اذان اینگونه است. (همان، ج ۴: ۴۲)

۱۰. امام باقر(ع) در جواب به نافع بن ارزق از دوستان اران عمر بن خطاب، فرمودند: «از نشانه‌هایی که خداوند آن را به پیامبر(ص) هنگام معراج در بیت المقدس نشان داد، این بود که انبیاء و رسولان را در آنجا جمع نمود و به جبرئیل دستور داد تا اذان و اقامه بگوید که حی علی خیر العمل هم گفت». (همان، ج ۴: ۴۸)

۱۱. عمر بن اذینه از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود:

آیا از اینان (اهل سنت) روایت می‌کنی؟ گفتم: فدایت شوم در چه موردی؟ فرمود: در مورد اذان و رکوع و سجود ایشان. گفتم: اینان می‌گویند اذان را ابی بن کعب در خواب دیده‌است؟! فرمود: دروغ می‌گویند. دین خدا عزیزتر از آن است که در خواب دیده شود... (کلینی، پیشین، ج ۳: ۴۸۲)

۱۲. امیرالمومنین علی(ع) فرمودند: «وقتی پیامبر(ص) از عرفات به مزدلفه رفت، در آنجا بین نماز مغرب و عشاء جمع کرد به یک اذان و دو اقامه». (محدث نوری، پیشین، ج ۴: ۵۰)

۱۳. امام باقر(ع) از امیرالمومنین علی(ع) نقل می‌کند: «وقتی رسول الله(ص) به معراج رفت در آسمان هفتم مکانی را در عرش دیدم، من را در آنجا نشانند و خداوند فرمود: "هرکس از امت تو خواسته باشد از بلای من در امان باشد و دعایش مستجاب شود، هنگامی که اذان مغرب را شنید، این دعا را بخواند»:

يَا مُسْلِمًا نَقَمْتَهُ عَلَىٰ أَعْدَائِهِ بِالْخَذْلَانِ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ الْعَذَابِ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ يَا مُوسِعًا فَضْلَهُ عَلَىٰ أَوْلِيَائِهِ بَعْضَمَتِهِ إِيَّاهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ حُسْنِ عَائِدَتِهِ عَلَيْهِمْ فِي الْآخِرَةِ وَ يَا شَدِيدَ التَّكَالِ بِالْإِنْتِقَامِ وَ يَا حَسَنَ الْمُجَازَاةِ بِالثَّوَابِ مَنْ أَطَاعَهُ وَ يَا بَارِيَّ خَلْقِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ مُلْزِمَ أَهْلَهُمَا عَمَلُهُمَا وَ الْعَالِمِ بِمَنْ يَصِيرُ إِلَىٰ جَنَّتِهِ وَ نَارِهِ يَا هَادِيَّ يَا مُضِلَّ يَا كَافِيَّ يَا مُعَافِيَّ يَا مُعَاقِبَ أَهْدِنِي بِهِدَاكَ وَ عَافِنِي بِمُعَافَاتِكَ مِنْ سَكْنِي جَهَنَّمَ مَعَ الشَّيَاطِينِ وَ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي كُنْتُ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ أَعِدْنِي مِنَ الْخُسْرَانِ بِدُخُولِ النَّارِ وَ حِرْمَانِ الْجَنَّةِ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. (همان، ج ۴: ۵۴)

این روایت شاهد این مطلب است که حتی دعاهایی که در مواقع مختلف مانند اوقات اذان وارد شده‌است، به وحی الهی بوده تا چه رسد به خود اذان.

۱۴. امام کاظم(ع) فرمودند: «الصلاة خير من النوم (گفتن این جمله: نماز بهتر از خوابیدن

است در اذان) بدعتی است که بنی‌امیه انجام داده‌اند و آن را داخل در اذان نمودند؛ در حالی که در اصل اذان این فقره وجود ندارد، اما اگر کسی آن را برای آگاه شدن مردم از نماز بگوید و در اذان داخل نکند، اشکال ندارد؛ زیرا ما آن را جزء اذان نمی‌دانیم. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۴: ۴۴) ۱۵. از امام صادق(ع) در مورد معنی حی علی خیر العمل پرسیدند، که در جواب فرمودند: «بهترین عمل ولایت اهل‌بیت(ع) است». در روایت دیگر آمده است که: «بهترین عمل نیکی نمودن به فاطمه(ص) و فرزندان اوست». (همان، ج ۴: ۷۰)

۱۶. امام(ع) فرمود: «بلال بنده‌ای صالح بود، بعد از رسول خدا(ص) برای احدی (از دشمنان) اذان نگفت به همین دلیل حی علی خیر العمل حذف (توسط دشمنان) شد». (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۴۱۷)

سه روایت اخیر در رد اذانی است که اهل سنت می‌گویند، زیرا ایشان دست به جعل و تحریف در اذان زده‌اند و از سوئی اعتقادی باطل در تشریح اذان دارند؛ از طرفی وقتی ما روایات اهل‌بیت(ع) را ملاحظه می‌کنیم، تشریح اذان با قضیه معراج و فضائل امیرالمومنین علی(ع) آمیخته است که این مطالب در روایات اهل سنت دیده نمی‌شود. بعد از این نتیجه گیری را به خواننده واگذار می‌کنیم که آیا اذان در زمان پیامبر(ص) اذان شیعه است یا اذان اهل سنت!.

فصل چهارم: دلیل مشروعیت یا مطلوبیت شهادت ثالثه

شهادت ثالثه با دلائل خاصه در اذان و اقامه تشریح نشده است، اما عدم تشریح با دلائل خاصه مستلزم عدم جواز با دلائل عامه نیز نیست. شهادت بر ولایت علی (علیه السلام) جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است به دلائل ذیل به قصد قربت و تبرک گفته شود:



۱ - قرآن

قرآن کریم در سوره مائده آیات ۵۴ و ۵۵ می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»، «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ».

این آیه با «انما» که در لغت عرب به معنی انحصار می‌آید، شروع شده و می‌گوید: «ولی و سرپرست و متصرف در امور شما سه کس است: خدا، پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند».

در منابع اهل تسنن تصریح شده است که آیه شریفه ۵۵ سوره مائده در حق علی (علیه السلام) نازل شده است، با توجه به شان نزول، آیه شریفه بر ولایت انحصاری علی بن ابی طالب (ع) در طول ولایت الهی و رسول الله (ص) دلالت دارد.

شان نزول آیه ولایت

در تفسیر مجمع البیان و کتب دیگر از عبد الله بن عباس نقل شده است که: روزی در کنار چاه زمزم نشستند و برای مردم از قول پیامبر حدیث نقل می‌کرد، ناگهان مردی که عمامه‌ای بر سر داشت و صورت خود را پوشانیده بود، نزدیک آمد و هر مرتبه که ابن عباس از پیغمبر اسلام (ص) حدیث نقل می‌کرد او نیز با جمله «قال رسول الله» حدیث دیگری از پیامبر نقل می‌نمود. ابن عباس او را قسم داد تا خود را معرفی کند، او صورت خود را گشود و صدا زد ای مردم! هر کس مرا نمی‌شناسد، بدانند من ابوذر غفاری هستم؛ با این گوش‌های خودم از رسول خدا شنیدم، اگر دروغ

می گویم هر دو گوشم کر باد، با این چشمان خود این جریان را دیدم و اگر دروغ می گویم هر دو کور باد، که پیامبر فرمود: «علی قائد البررة و قاتل الکفرة منصور من نصره مخذول من خذله».

سپس ابوذر اضافه کرد:

ای مردم روزی از روزها با رسول خدا در مسجد نماز می خواندم، سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی چیزی به او نداد، او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم؛ ولی کسی جواب مساعد به من نداد». در همین حال علی (علیه السلام) که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد. سائل نزدیک آمد و انگشتش را از دست آن حضرت بیرون آورد، پیامبر که در حال نماز بود این جریان را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: «خداوندا برادرم موسی از تو تقاضا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشائی تا مردم گفتارش را درک کنند و نیز موسی درخواست کرد هارون که برادرش بود را وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا! من محمد، پیامبر و برگزیده توام، سینه مرا گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز؛ از خاندانم علی (علیه السلام) را وزیر من گردان تا بوسیله او، پشتم قوی و محکم گردد.

ابوذر می گوید: هنوز دعای پیامبر پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر گفت: «بخوان، پیامبر فرمود: "چه بخوانم؟"، گفت بخوان: انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...».

(مکارم، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۲۲)

۲ - روایات

روایاتی که بر جواز شهادت ثالثه دلالت دارد:

(الف) عن ابن عباس قال: «قال رسول الله (ص): " من قال: لا إله إلا الله تفتحت له أبواب السماء ومن تلاها بمحمد رسول الله تهلل وجه الحق سبحانه و استبشر بذلك و من تلاها بعلى ولى الله غفر الله له ذنوبه ولو كانت بعدد قطر المطر"، رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: هر که گوید "لا اله الا الله" درهای آسمان به روی او گشوده شود و هر که آن را به جمله محمد رسول الله (ص) ببیوندد، چهره خدا شکفته شود و بدان شادمان گردد. یعنی چنین کاری مایه خشنودی خداست و هر که در پی آن "علی ولی الله" گوید خداوند گناهانش را ببامزد گرچه به عدد قطره های باران باشد». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۳: ۲۰۲)

(ب) عن أبی عبد الله (ع) أنه قال: «إذا قال أحدکم: "لا إله إلا الله محمد رسول الله فليقل على أمير المؤمنين ولى الله" هر گاه یکی از شما گفت: لا اله الا الله، محمد رسول الله (ص) پس بگوید: علی امیر المؤمنین ولی الله». (همان، ج ۸۳: ۳۱۸)

(ج) پیامبر فرمود: «هیچ کس از صراط نگذرد جز با داشتن جواز ولایت او علی و خاندانش». ابو سعید گفت: ای رسول خدا، معنای جواز علی چیست؟ فرمود: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله. (همان، ج ۳۸: ۳۱۸)

۳ - اجماع

نمونه ای از اقوال فقهاء شیعه:

۱. علامه مجلسی رحمه الله (۱۱۱۱. ه. ق.) می گوید: «بعید نیست که شهادت به ولایت از اجزاء مستحبی اذان باشد، به دلیل گواهی شیخ طوسی، علامه حلی، شهید و دیگران به ورود





اخبار در این باره». (همان، ج ۸۱: ۱۱۱)

۲. صاحب جواهر رحمه الله (۵۱۳۶۶. ق.۰) می گوید:

شهادت به ولایت در اذان مانعی ندارد، (اما نه به نیت آن که جزء اذان باشد) به جهت عمل به حدیث مزبور که فرمود: «هر گاه یکی از شما گواهی به توحید و نبوت داد باید بگوید: "علی امیر المؤمنین ولی الله"». اینگونه اضافه ضرری به موالات و ترتیب میان فصول اذان نمی رساند، بلکه مانند صلوات فرستادن بر محمد (ص) است، هنگام شنیدن نام آن بزرگوار... و اگر اتفاق و قبول اصحاب بر عدم جزئیت آن (در اذان) نبود ادعای جزئیت ممکن بود، بر این مبنا که دلیل عام صلاحیت بر مشروع بودن حکم خاص را دارد.

«الا انه لا بأس بذكر ذلك لا على سبيل الجزئية عملاً بالخبر المزبور ولا يقدر مثله في الموالاة و الترتيب، بل هي كالصلاة على محمد عند سماع اسمه... بل لو لا تسالم الأصحاب لأمكن دعوى الجزئية بناء على صلاحية العموم لمشروعية الخصوصية. و الامر سهل». (نجفی، ج ۹: ۸۷)

۳. شرف الدین موسوی در «النص والاجتهاد» می فرماید:

مستحب است اكمال شهادتین به شهادت به ولایت وامیری مؤمنان برای علی (علیه السلام) در اذان واقامه. هر کس آن را تحریم کرده است و آن را بدعت شمرده است، اشتباه کرده است و سخنی شاذ گفته. مؤذنان در اسلام (معمولاً) کلمه ای را مقدم بر اذان ذکر نموده و به آن می پیوندند مثل: «وقل الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا...» تا آخر آیه یا نظیر آن و ملحق می کنند سخنی به اذان که به دنبال آن می آورند مثل: «الصلاة والسلام عليك يا رسول الله» یا نظیر آن و مثل اینها گرچه از شارع در مورد اذان مأثور نیست؛ ولی اینها بدعت نیست و قطعاً هم حرام نیست، به خاطر اینکه مؤذنین اینها را از فصول اذان نمی دانند، فقط آنها را بر اساس ادله عامه می آورند و این چنین است شهادت برای علی (علیه السلام) بعد از شهادتین در اذان، که بر اساس دلیل عام آن است. وانگهی، سخن کوتاه از کلام آدمی موجب بطلان اذان و اقامه نمی شود و گفتن آن در اثناء اذان واقامه حرام نیست. (شرف الدین موسوی، بی تا: ۲۰۷ و ۲۰۸)

ظاهراً سخن شرف الدین ناظر به بیان شیخ صدوق است؛ شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق.) در کتاب من لا یحضره الفقیه وارد کردن شهادت ثالثه در اذان را بدعت نامیده و آن را به غلاة نسبت داده است. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹۰) منظور شیخ صدوق این است که شهادت بر ولایت علی (علیه السلام) از علائم ایمان است نه از فصول اذان.

۴. آیت الله حکیم (رحمه الله) معتقد است: «مانعی ندارد شهادت به ولایت در اذان به قصد استحباب مطلق». او پس از استناد به حدیث بالا که در «احتجاج طبرسی» است می گوید: «بلکه این شهادت در این روزگاران از شعارهای ایمان به شمار رفته و رمز تشیع است و از این جهت شرعاً راجح است، بلکه ممکن است واجب دانسته شود». (یزدی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۵۴۵)

فصل پنجم: نظر علمای شیعه در مورد استحباب شهادت ثالثه «أشهد أن علیاً ولی الله»

در این زمینه دو نظر موجود است:

۱ - عده ای آن را جزء مستحب می دانند، یعنی مانند قنوت که جزئی از نماز بوده و مستحب است.

۲ - عده ای نیز آن را مستحب می دانند، اما بدون قصد جزئیت؛ یعنی مستحبی است که جزو اجزای اذان نیست، مانند صلوات در هنگام بردن یا شنیدن نام گرامی رسول اسلام (ص) که

استحباب صلوات فرستادن ، بعد از شنیدن نام ایشان مخصوص به غیر اذان نیست؛ یعنی حتی در اذان هم اگر کسی نام ایشان را بر زبان آورد، مستحب است بعد از آن صلوات بفرستد، کسی در این زمینه اشکال نگرفته است.

در مورد شهادت ثالثه نیز همین مطلب جاری است، زیرا در روایات شیعه چنین آمده است که هر زمان شخصی شهادت به وحدانیت خدا و نبوت پیغمبر گرامی اسلام داد، بلافاصله بعد از آن شهادت به ولایت امیر مومنان(ع) نیز بدهد. همانطور که در بحث بالا گذشت، این روایت مربوط به زمان یا مکان خاصی نیست و شامل اذان نیز می گردد.

تایید این مضمون در روایات اهل سنت:

عن ابی الحمراء عن رسول الله (ص) قال: «لَمَّا اسرى بي الى السماء، إذا على العرش مكتوب لا إله إلا الله ، محمد رسول الله آيّدته بعلی». (سیوطی، بی تا، ج ۴: ۱۵۳)

از ابی حمراء از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمودند: «وقتی که من به آسمان برده شدم، بر عرش نوشته شده بود که خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده اوست، او را با علی پشتیبانی نمودم».

بنا بر این نمی توان و نباید، گفتن شهادت ثالثه در اذان را جزء بدعت‌ها دانست.

نکته پایانی

بنابر آنچه گفته شد، احدی از شیعیان شهادت بر ولایت حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان جزئی از اذان نمی گویند و حتی برخی در اقامه برای اینکه از دیگر اجزا تمییز داده شود، فقط یک بار می گویند؛ نتیجه اینکه:

۱. اذان و فصول آن، وحیانی است و این موضوع با دلایل خاصه به اثبات رسیده است.
۲. شهادت ثالثه، جزء فصول وحیانی اذان نیست؛ ولی از ارکان ایمان است که با دلائل عامه اثبات می گردد.
۳. آوردن شهادت ثالثه در بین فصول اذان موجب بطلان اذان و بدعت و حرام نیست. چنانچه سخن گفتن و دعا نمودن در بین فصول اذان بلامانع است.
۴. حذف «حی علی خیر العمل» از اذان، عدول از سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.



منابع و ماخذ

١. الأفریقی المصری، محمد بن مکرم بن منظور. {بی تا}. لسان العرب. بیروت: دار صادر.
٢. راوندی، قطب الدین. (١٤٠٥). فقه القرآن، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
٣. محدث نوری، میرزا حسین. (١٤٠٨). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٤. صدوق، حسین بن علی. (١٤١٣). من لا یحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
٥. طوسی، محمد بن الحسن. (١٣٦٥). التهذیب. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
٦. جزیری، عبد الرحمن وغروی، سید محمد و یاسر، مازح. (١٤١٩). کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام. چاپ اول. بیروت، لبنان: دارالثقلین.
٧. آیه الله مشکینی، میرزا علی. {بی تا}. مصطلحات الفقه. {بی جا}.
٨. مجلسی، محمد باقر. (١٤٠٤). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
٩. شیخ طوسی، محمد بن الحسن. {بی تا}. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
١٠. عاملی، شیخ حر. (١٤٠٩). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
١١. شیخ صدوق و کلینی، محمد بن یعقوب. (١٣٦٥). الکافی. ج ٣. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
١٢. شیخ طوسی، محمد بن الحسن. (١٣٩٠). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. چاپ اول. ایران، تهران: دارالمکتب الاسلامیه.
١٣. حلبی، ابوالفرج. (١٤٢٧). السیره الحلبیه (إنسان العیون فی سیره الأمين المأمون). دوم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
١٤. متقی هندی، علی بن حسام. (١٩٨٩). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
١٥. بخاری، محمد بن اسماعیل. (١٤٠٧). الجامع الصحیح المختصر. الطبعة الثالثة. بیروت، الیمامه: دار ابن کثیر.
١٦. علامه شرف الدین، سید عبدالحسین. {بی تا}. النص و الاجتهاد. {بی جا}.
١٧. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابن أبی بکر. {بی تا}. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. بیروت: دار الفکر.
١٨. مکارم، ناصر. (١٣٧٧). تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه.
١٩. النجفی، محمد حسن. (١٩٨١). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
٢٠. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی. (١٤١٧). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی. مؤسسه نشر اسلامی.